

کنگره برلین و مسئله بازپس‌گیری قطور

افسانه منفرد*

در پی جنگهای طولانی و وسیعی که طی قرون هیجده و نوزده در اروپا در گرفت و بدنبال تحولات جهانی و نظم نوینی که پس از شکست ناپلئون بناپارت و تشکیل اتحادیه اروپا^۱ در این قاره شکل گرفت، موضوع حل اختلافات بین‌المللی در سر میز مذاکره و اجتناب از برخوردهای نظامی به عنوان تنها راه حل ممکن برای فیصله دادن به موارد اختلاف در دستور کار دیپلماسی جهانی قرار گرفت. تشکیل کنگره‌های مهم و تاریخی سده نوزدهم وین (۱۸۱۴-۱۸۱۵)، پاریس (۱۸۵۶) و برلین (۱۸۷۸) پیامد چنین سیاستی بود. دولتهای خاور گرجه حاشیه‌نشین کانونهای قدرت و تصمیم‌گیری در اروپا محسوب می‌شدند، هر یک به فراخور توان اقتصادی - نظامی و قابلیت‌های سیاسی دولتمردان خود کوشیدند تا حقوق خود را احیا کنند. یکی از نخستین تلاش‌های از این دست شرکت ایران در کنگره برلین بود.

این کنگره که خود از بزرگترین همایش‌های سیاسی قدرتهای بزرگ اروپا محسوب می‌شد با هدف تعدیل شرایط عهدنامه سان استفانو^۲ (یشیل‌کوی کنونی در ترکیه) منعقد در ۲۷ صفر ۱۲۹۵/۱۹ فوریه ۱۸۷۷ و تقسیم متصرفات اروپایی عثمانیها در بالکان و حل مسئله شرق در ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳/۱۲۹۵ ژوئن ۱۸۷۸ در کاخ رادزیویل^۳ برلین برپا شد و در ۱۳ رجب ۱۳/۱۲۹۵ ژوییه

* افسانه منفرد پژوهشگر گروه تاریخ بنیاد دایرةالمعارف اسلامی است.

1. Concert of Europe
2. San Stefano
3. Radzivill

۱۸۷۸ به کار خود پایان داد. دولت‌های شرکت‌کننده در کنگره، باتجربه‌ترین دولتمردان خود را روانه این کارزار سیاسی کردند. از انگلستان دیزرایلی^۱ و لُرد سالزبوری^۲، از روسیه گورچاکف^۳ و شوالف^۴، از اتریش آندراسی^۵، از فرانسه وادینگتون^۶ و بالاخره از آلمان بیسمارک از چهره‌های شاخص محسوب می‌شدند. ریاست اجلاس را بیسمارک بر عهده داشت که به سبب نقش سیاسی خود در این همایش به خود لقب «دلال درستکار» را داد.^۷ عهدنامه پایانی که در شصت و چهارماده تنظیم شد و به امضای دول شرکت‌کننده رسید، عمدتاً به مسائل متصرفات اروپایی عثمانی در بالکان یعنی بلغارستان، بوسنی و هرزگوین، رومانی و صربستان می‌پرداخت. براساس شصتمین ماده عهدنامه پایانی، باب عالی قطور و اراضی اطراف آن را موافق تصدیق کمیساریای انگلیس و روس که مأمور تعیین حدود عثمانی و ایران بودند، به دولت ایران واگذار کرد^۸ و این مهمترین دستاورد ایران در کنگره بود. چگونگی ارتباط و حضور ایران در کنگره که خود از نخستین و مهمترین تجارب این کشور در عرصه سیاست بین‌المللی محسوب می‌شد، موضوع این بحث است.

مُحالِ قطور مرکب از سی و نه قریه^۹ از غرب و جنوب مجاور خاک عثمانی و حائز اهمیت نظامی بسیار است.^{۱۰} سابقه تصرف آن توسط عثمانیها به سی سال پیش از تشکیل کنگره باز می‌گشت. بدین ترتیب که پس از بازگشت میرزاتقی خان (امیرکبیر) از عثمانی و عقد معاهده ارزروم (۱۶ جمادی الثانی ۱۲۶۳/۲ ژوئن

1. Disraeli
2. Salisbury
3. Gorchakoff
4. Shuvaloff
5. Andrassy
6. Waddington

۷. بریتانیکا، کنگره برلین؛ ج ۵، ص ۳۱۵۹؛ مصاحب، برلین، کنگره.

۸. متن کامل عهدنامه برلین ترجمه از روزنامه تایمز همان زمان در مرآت‌البلدان ص ۱۸۳۶-۱۸۵۸ و تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی تألیف فرهاد معتمد ص ۱۰۹-۸۳ آمده است.

۹. اعتمادالسلطنه، مرآت‌البلدان، به کوشش نوری علا و سپانلو، ج ۱، ص ۲۳۹۵.

۱۰. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، ص ۵۸۲.

۱۸۴۷) تشکیل کمیسیون سرحدی برای تعیین حدود ایران و عثمانی در دستور کار قرار گرفت. پیش از تشکیل کمیسیون مزبور رشید پاشا، مأمور دولت عثمانی، با استفاده از وضع آشفته ایران و وقوع فتنه سالار در خراسان،^۲ قطور و بلوک اطراف آنرا اشغال کرد و دستور داد مناره‌ای در دهانه تنگه قطور بسازند و به روی سنگی به نشانه سرحدی این عبارات را به فارسی حک کنند: «رأس حدود دولت عثمانیه در ناحیه قطور سنه ۱۲۶۵». همزمان با این اوضاع درویش پاشا نماینده عثمانی در کمیسیون مرزی، در نامه‌ای به محمد رحیم میرزا شامبیاتی ملقب به امیر نظام حاکم خوی مدعی گردید که قریه قطور و توابع آن جزء سرحدات وان (در خاک عثمانی) است.^۳ از همان ابتدای این تجاوز آشکار، دولت ایران تلاش برای بازپس‌گیری قطور را آغاز نمود تا آنجا که که امیرکبیر شرط تشکیل کمیسیون سرحدی را تخلیه قطور و تخریب علامت سرحدی عثمانیان تعیین کرد.^۴ از میان دو دولت واسطه، روسها از آنجا که تصرف نقاط استراتژیک آذربایجان و شمال غربی ایران را از جانب عثمانیها خطری برای خود می‌دیدند، به اشغال قطور اعتراض کردند و حقوق ایران را در این مورد به رسمیت شناختند.^۵ بعدها نیز هنگام تشکیل کنگره برلین مقامات روسی - گورچاکف وزیر امور خارجه و چریکوف مأمور آن دولت در کمیسیون سرحدی و تولستوی معاون وزیر امور خارجه و نماینده مجلس - بر این موضع پافشاری کردند.^۶ اما انگلستان که در این دوره سیاست حمایت از عثمانی را در پیش گرفته بود، چندان موافق استرداد قطور نبود تا مدتها بعد چه هنگام تشکیل کنگره برلین و چه پس از آن با این دستاویز که سی سال از تصرف قطور گذشته است، برگرداندن آنرا به ایران دشوار اعلام

۱. همانجا، ص ۷۶.

۲. اعتمادالسلطنه، همان مأخذ، ج ۱، ص ۲۳۹۵.

۳. آدمیت، همان مأخذ، ص ۵۸۲-۵۸۳.

۴. همانجا.

۵. فرهاد معتمد، همانجا، ج ۲، ص ۱۱۵ به نقل از گزارش میرزا محسن خان به وزارت خارجه.

۶. مجموعه اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله، ص ۱۰۹-۱۱۱، نامه میرزا محمد صدیق‌الملک به

میرزا حسین خان مشیرالدوله ذی قعدة ۱۲۷۷.

می‌داشت^۱ و از موضعگیری صریح در قبال مسئله طفره می‌رفت.^۲ اسناد وزارت خارجه ایران گواه این مطلب است که مسئله قطور و استرداد آن در فاصله اشغال تا تشکیل کنگره برلین همواره مورد توجه و علاقه دولت ایران بوده است.^۳ در این دوره عثمانیها با تجاوزات مکرر به سرحدات و پایمال کردن حقوق ایران در مسائل ارضی، بدرفتاری با شیعیان و اتباع ایرانی هنگام زیارت عتبات و سرانجام با تسامح نسبت به غارت اموال تجار ایرانی در خاک عثمانی و بالاخره با پذیرفتن عباس میرزا ملک‌آرا در باب عالی به عنوان رقیبی برای شاه، اسباب رنجش و کدورت عمیق ایران را فراهم آوردند. تا آنجا که در آخرین دهه قرن ۱۳/ دهه ۷۰ قرن ۱۹ برخلاف دوره جنگهای روسیه و عثمانی در کریمه، ایران موضع بیطرفانه خود را رها کرد و به جانبداری از روسیه متمایل شد.^۴ این سردی روابط در آستانه تشکیل کنگره برلین که مقارن دومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا بود (۱۲۹۵)، به اوج خود رسید. شاه هدف این سفر را علاقه خود به دیدار از نمایشگاه بین‌المللی پاریس اعلام کرد اما دور نیست که نگرانی وی از اوضاع اروپا و تحولات جهانی و تحرکات دول، پیش از تشکیل کنگره برلین، و بیم او از این که در توافقی بین‌المللی حقوق ایران زیرپا گذاشته شود، انگیزه وی در این سفر بوده باشد. سپهسالار اعظم میرزا حسین خان مشیرالدوله که در این روزها از نفوذ و اعتبار بسیار برخوردار بود، در این نظر همراه و مؤید شاه بود. گزارش وزیر مختار ایران در لندن، ملکم خان، نیز بر حساسیت مذاکرات دولتهای اروپایی تأکید داشت.^۵ شاه با ذکر این نکته که «خیال رفتن ما به فرنگستان برای همین کارهاست.»^۶ ظاهراً توجه و دقت نظر خود را به جریانات سیاست جهانی نشان داده بود. انتخاب زمان سفر دوم شاه گرچه با شگفتی محافل دیپلماتیک روبرو شد، اما در واقع شاهدهی بر نگرانی ایران و شخص او از سیاست تجاوز کارانه عثمانی در غرب و انگلستان

۱. فرهاد معتمد، همان مأخذ، ص ۱۱۵.

۲. آدمیت، همان مأخذ، ص ۵۸۲.

۳. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ج ۲، ص ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۳.

۴. فرهاد معتمد، همان مأخذ، ص ۱۴-۱۵، ۶۸-۶۹، ۷۹.

۵. همان مأخذ، ص ۲۲-۲۶.

۶. همان مأخذ، ص ۳۳.

در شرق (افغانستان) بود. همچنین اهمیتی که نشست برلین و مذاکرات مقدماتی مربوط به آن برای ایران داشت. ناصرالدین شاه با انتخاب مسیر عبور خود از خاک روسیه و امتناع از گذشتن از ارزروم ناخشنودی و خشم خود را از دولت عثمانی نشان داد،^۱ تا آنجا که مخاطرات سفر دریایی از جنوب را بر عبور از خاک عثمانی ترجیح داد. او در این سفر که کمی پیش از تشکیل کنگره صورت گرفت از پایتختهای بزرگ اروپا، سنت پترزبورگ، برلین، پاریس و وین دیدار کرد. اما به رغم تلاش ملکم، ملکه ویکتوریا و محافل رسمی انگلستان او را نپذیرفتند.^۲ بدین ترتیب در آستانه نشست برلین و در سپیده دم تحولاتی بنیادین در روابط بین الملل، ایران توانست شمایی از صف بندی نیروها و فضای سیاسی اروپا را به دست آورد. دولت ایران میرزا ملکم خان را مأمور شرکت در کنگره کرد. میرزا حسین خان سپهسالار با حساسیت بسیار پیشرفت کار و عملکرد او را در کنگره و در مذاکرات با بیسمارک، آندراسی و گورچاکف دنبال می کرد. او در نامه مورخ ۲۲ جمادی الثانی ۱۲۹۵/۲۴ ژوئن ۱۸۷۸ از ملکم خواست تا این نکته را برای دول شرکت کننده روشن سازد که حل مسئله شرق بدون حل اختلافات فی مابین ایران و عثمانی کامل نخواهد بود.^۳ البته برای ایران استرداد قطور در اولویت قرار داشت و به تأکید و راهنمایی سپهسالار، نماینده ایران در تمام مذاکرات و جلسات کنگره شرکت نکرد و علاقه ای نیز به درگیر شدن در ماجراهای بالکان نشان نداد. و فقط هنگامی که ماده مربوط به استرداد قطور (ماده ۶۰) مطرح گردید حضور فعال ایران در کنگره محسوس و الزامی شد.^۴ در مورد اعتبار، موقعیت سیاسی و نقش ملکم به عنوان نماینده ایران در کنگره نظرات متفاوت و ضد و نقیضی وجود دارد. برخی وی را وکیل مختار و نماینده ایران در کنگره دانسته اند^۵ و تلاش موفقیت آمیز او را در بازگیری قطور نکته مثبتی در کارنامه سیاسی وی در مقابل

۱. همان مأخذ، ص ۲۳-۲۶، مذاکرات وزیر مختار روس و میرزا حسین خان سپهسالار و مکتوب ناصرالدین شاه به سپهسالار.

۲. محیط طباطبایی، «مقدمه» مجموعه آثار میرزا ملکم خان، ص بیج.

۳. آدمیت، اندیشه ترقی...، ص ۴۸۷.

۴. همان مأخذ؛ رابین، اسماعیل، میرزا ملکم خان زندگی و کوششهای سیاسی او، ص ۸۵.

۵. طباطبایی، همان مأخذ، ص بیج.

نقش او در قضیه امتیاز رویتر ذکر کرده‌اند.^۱ خود او حضورش در کنگره و مذاکراتش با بیسمارک را بسیار موفقیت آمیز و عامل مهم استرداد قطور قلمداد کرده و از رفتار بیسمارک و احتراماتی که نسبت به او مرعی شده بود، مبالغه آمیز سخن گفته است. او مدعی شد که بیش از نمایندگان بالکان نظیر رومانی و مجارستان که مسائل آنها محور مباحثات کنگره بود، مورد توجه قرار گرفته است و حتی حضور ایران در این کنگره از شرکت ایران در کنگره پاریس که مسئله هرات از مباحث مهم آن بود، چشمگیرتر و آبرومندانه‌تر ذکر کرده است.^۲ این ادعا از همان ابتدا با تردید روبرو شد. در واقع ملکم نتوانسته بود به عنوان سفیر اعزامی و نماینده رسمی ایران در کنگره شرکت کند.^۳ روزنامه اختر در همان هنگام متذکر شده بود که ملکم تنها در کنگره حاضر شد تا تصمیم کنگره دال بر استرداد قطور به وی ابلاغ شود. تصمیمی که با توافق قبلی روس و آلمان اتخاذ شده بود. ملکم، میرزا حسین خان مشیرالدوله را در این تخفیف موقعیت خود بی تأثیر نمی دانست^۴ و با پافشاری بر سهم خود در این پیروزی توانست در بازگشت به تهران (۹ رجب ۱۲۹۹) لقب ناظم الملک خود را به ناظم الدوله تبدیل کند و از وزیر مختار به سفیر کبیر ایران در لندن ارتقاء مقام یابد و نیز عنوان «جناب اشرف» را به دست آورد.^۵ حمایت روسیه، علی‌رغم مخالفت زودگذر و اولیه آن دولت در مورد شرکت ایران در کنگره^۶ و هر چند این حمایت به انگیزه حفظ منافعش در برابر عثمانی صورت گرفت، نسبت به گنجاندن ماده مربوط به استرداد قطور در سند نهایی کنگره مؤثر بود. افضل الملک کرمانی با اشاره به ماده تاریخ استرداد قطور که میرزا اسدالله امام جمعه خوی آنرا سروده بود، به این پشتیبانی سیاسی الکساندر دوم تزار روس

۱. رابین، همان مأخذ، ص ۸۳.

۲. نورایی، فرشته، تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم الدوله، ص ۱۵۷-۱۶۰.

۳. رابین، همان مأخذ، ص ۸۵، به نقل از تلگراف ملکم به مشیرالدوله، ۳ محرم ۱۲۹۴.

۴. نورایی، همان مأخذ، ص ۱۵۹.

۵. الگار، حامد، میرزا ملکم خان، ص ۱۵۷؛ رابین، همان مأخذ، ص ۸۷، ۸۶؛ محبوبی اردکانی، حسین،

چهل سال تاریخ ایران، ص ۵۵۱.

۶. آدمیت، همان مأخذ، ص ۴۸۷، نامد میرزا حسین خان سبهبسالار به کنگره برلین به تاریخ ۲۴ ژوئن

اشاره کرده است.^۱

اما گرچه ماده شصت برای ایران یک پیروزی سیاسی محسوب می‌شد، منجر به استرداد عملی قطور نگردید و باب عالی به بهانه‌های مختلف از انجام این امر سرباز زد. آنان تحویل قطور را منوط به استرداد بخشی از خاک عثمانی در ناحیه زهاب دانستند که در تصرف ایران بود. اما ایران بر این نکته تأکید ورزید که تسلیم قطور به هیچ وجه به مسائل کلی سرحدی میان ایران و عثمانی که مورد بحث کمیسیون تعیین حدود بود، مربوط نمی‌شود بلکه به عنوان یکی از مفاد عهدنامه برلین و چون دیگر تصمیمات این کنگره نظیر تحویل بندر باطوم به روسیه باید بیدرنگ اجرا شود. عثمانیها ظاهراً تسلیم شدند و صفوت پاشا اعلام داشت که دستور لازم به والی وان داده شده است.^۲ اما سال بعد تنها نوزده قریه از سی و نه قریه محال قطور به اسامی: قاشقه بلاغ، بیانلو، کوکرد، استران، آلمالو، هندوان، قیله لک، مخین، کلت علیا، کلت سفلی، حبشی علیا، حبشی سفلی، زیری، کواران، کرلومک، رادیان، ترس آباد و قاشقلول به محمد صادق خان امین نظام تحویل داده شد.^۳ دولت عثمانی در سالهای بعد کماکان به اقدامات تحریک آمیز خود در منطقه ادامه داد که یکی از موارد مشخص این سیاست دامن زدن به شورش عبیدالله در آذربایجان بود که ظاهراً از حمایت دولت بریتانیا برخوردار بود.^۴ اسناد متعدد مضبوط در آرشیو وزارت خارجه در فاصله سالهای ۱۲۹۵ تا ۱۳۱۳ به مسئله قطور، مالکیت آن و ناآرامیهای این منطقه اشاره دارد.^۵ به هرحال استرداد کامل قطور در دوره قاجاریان ممکن نگردید. در سال ۱۳۳۲/ ۱۹۱۳-۱۹۱۴ که چهار دولت روس و انگلیس و ایران و عثمانی بار دیگر به تعیین خط قطعی سرحدات غربی ایران پرداختند، مسئله قطور از موضوعات محوری مذاکرات بود.^۶ این تلاش‌ها به مناسبت بروز جنگ جهانی اول به نتیجه نرسید. با

۱. افضل الملک کرمانی، کراسه المعی، نسخه خطی در کتابخانه شماره ۱ مجلس، برگ، ۲۸۴.

۲. فرهاد معتمد، همان مأخذ، ص ۱۱۶-۱۱۷.

۳. اعتمادالسلطنه، ۲۳۹۵/۱.

۴. خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، ص ۹۰.

۵. گزیده اسناد...، ص ۱۴۰-۱۹۴، ۲۱۴-۲۱۸.

۶. مشکور، تاریخ ایران زمین، ص ۳۵۳.

این حال هفت سال بعد ضمن صحبت از ماجرای اسماعیل سمیتقو و ایل شکاک، مهدیقلی خان هدایت به لاینحل ماندن مسئله قطور اشاره دارد.^۱ و این موضوع فقط در پی انعقاد قرارداد تعیین خط سرحدی ایران و ترکیه در بهمن ۱۳۱۱ ش و اتمام مأموریت کمیسیون مشترک تحدید حدود (۱۳۱۱-۱۳۱۳) به پایان رسید.^۲

کتابنامه:

آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۴، همو، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۶؛ اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، ج ۲ و ۳، ص ۱۸۳۶-۱۸۵۸؛ تهران، دانشگاه، ۱۳۶۷؛ همو، مرآت البلدان، به کوشش پرتو نوری علاء و محمد علی سپانلو، تهران، اسفار، ۱۳۶۴؛ افضل‌الملک کرمانی، گراسه المعی، نسخه خطی در کتابخانه مجلس، برگ ۲۸۴؛ بریتانیکا، ذیل «برلین، کنگره»؛ خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، تهران، بابک، ۱۳۳۸، ص ۹۰-۹۱؛ رایین، اسماعیل، میرزا ملکم خان، تهران، صفی علیشاه، ۱۳۵۳، ص ۸۳-۸۶؛ فرهاد معتمد، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی، تهران، ابن سینا، ۱۳۲۶، ص ۸۳-۱۱۷؛ گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۹، صفحات متعدد؛ محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، تهران، اقبال، ۱۳۳۵، ج ۳، ص ۸۶۵-۸۷۰؛ مشکور، محمد جواد، تاریخ ایران زمین، تهران، اشراقی، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ نورایی، فرشته، تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، تهران، جیبی و فرانکلین، ۱۳۵۲، ص ۱۵۷-۱۶۰؛ هدایت، مهدیقلی، خاطرات و خطرات و خطرات، تهران، زوآر، ص ۳۲۳.

۱. هدایت، مهدیقلی. خاطرات و خطرات، ۳۲۳.

۲. مخیر، محمد علی. مرزهای ایران، ص ۸۳-۹۰.